

شیهه‌ای در هیچ

رمانی از ادبیات معاصر کردستان عراق

فرهاد پیربال

مترجم

آرش سنجایی

دبیر مجموعه

شهرام اقبال‌زاده

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Santiago de Compostela

Farhad Pirbal

سرشناسه: پیربال، فرهاد، ۱۹۶۱-م
عنوان و نام پدیدآور: شیهای در هیچ / فرهاد پیربال؛ مترجم آرش سنجابی
مشخصات ناشر: تهران: نشر قطره، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری: ۱۷۴ ص
فروست: سلسله انتشارات - ۱۵۹۰. رمان - داستان خارجی - ۱۳۰.
داستان جهان و جهان داستان - بزرگسالان - ۶
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۵۹۶-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: داستان‌های کردی - قرن ۱۴
موضوع: داستان‌های فارسی - ترجمه شده از کردی
شناسه‌ی افزوده: سنجابی، آرش، ۱۳۵۹ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۸۷۳ پ ۲۴۵ / آ ۳۲۵۶ PIR
رده‌بندی دیویی: ۸۵۹ / ۲۳
شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۲۸۴۳۰۵۶

ISBN: 978-600-119-596-9

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۵۹۶-۹



نشر قطره

شیبه‌ای در هیچ

فرهاد پیربال

مترجم: آرش سنجابی

دبیر مجموعه: شهرام اقبال‌زاده

چاپ اول: ۱۳۹۲

چاپ: دیجیتال نقش

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

بها: ۶۰۰۰ تومان

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.
تکثیر تمام یا بخشی از این کتاب به هر شکلی
(به صورت صوتی، تصویری، الکترونیکی و...)
منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

خیابان فاطمی، خیابان ششم، کوچه‌ی خجسته شرقی، پلاک ۱۰

دورنگار: ۸۸ ۹۶ ۸۹ ۹۶

۸۸ ۹۷ ۳۳ ۵۱-۳

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۱۶۵

www.nashreghatreh.com

info@nashreghatreh.com

nashreghatreh@yahoo.com

Printed in the Islamic Republic of Iran

مقدمه...

یک پو بولیست مستتر...

گمانم سه چهار سالی می‌شود که رمان *شیهه‌ای* در هیچ به دستم رسیده و همین حدود هم باید از روزهای گذشته باشد که ترجمه‌ی دیگر رمان مطرح ادبیات *گرد*، آخرین *انار دنیا* را منتشر کردم. با خود قرار گذاشته بودم که پشت‌بند آن اثر درخشان، *فی الفور* کتاب *شیهه‌ای* در هیچ را به دست انتشار سپارم تا چشم‌اندازی درست از ادبیات *گرد*، پیش روی خوانندگان قرار گیرد و دست‌کم حالا که با سقوط دیکتاتور بعث، مجال انتشار این آثار در کردستان عراق فراهم آمده، برای خواننده‌ی فارس زبان هم آبی از آن گرم شود و چه خوش خیال بودم من...

با انتشار رمان *آخرین انار* و آغاز *بُروز* مشکلاتی که ذکر آن را تکرار مکرر می‌دانم، دو دسته نقد متفاوت بر آن نوشته شد. در خیلی از نقدها رمان *آخرین انار دنیا* و ترجمه‌اش، بی‌نظیر بود و حتا

بودند دوستانی که بختیار علی را ستودند و شایسته‌ی نوبل ادبی دانستند و برخی دوستان هم دایه‌ی مهربان‌تر از مادر ادبیات گرد شدند و نوای وامصیبتا سردادند و نوشتند که زبان اورامی با این ترجمه‌ی آزاد، مثله شده است.

و من همان روزها همه‌جا خطاب به آن اندک دوستان نوشتم که آستین‌ها را بالا برید و با ترجمه‌ای بهتر، آب رفته را به جوی برگردانید که برای من همان داستان نویس بودن کفایت می‌کند... سه سال و خورده‌ای گذشت و هیچ، دریغ از حتا یک ترجمه. بگذریم... شاید جان گرفتن یک‌باره‌ی آخرین انار دنیا و توجه ویژه‌ی اهل ادبیات به این رمان و استقبال بی‌نظیر خوانندگان از آن و خوردن چاپ‌های متوالی، خود محرکی بود برای شکستن وعده و ترجمه‌ی یک رمان دیگر ادبیات گرد ترجمه‌ای که باز هم آزاد است!

و اما چند نکته پیرامون داستان و نویسنده‌اش. فرهاد پیربال شاعر، نویسنده و تئوری‌پردازی است که کمابیش در یک دهه‌ی اخیر از فعال‌ترین نویسندگان ادبیات گرد بوده است (توی ایران هم خیلی‌ها با آثارش آشنا هستند). سال‌ها پناهندگی و اقامت در فرانسه، آشکارا بر فضا، روایت و شاکله‌ی قصه و شعرش تأثیر گذاشته و رگه‌های نازکی از سانتیمانتالیسم در آثارش دوانده... هم‌چنین فرم‌گرایی و گرایش به ابداع در این زمینه، از مشخصات اصلی آثار اوست.

داستان شیبه‌ای در هیچ با مضمون فوق‌العاده و فرمی که هم‌تراز با مضمون پیش‌می‌رود، به گمانم بهترین اثر پیربال است.

داستان‌نویسی که نوسان‌ها و از این شاخه به آن شاخه پریدن‌های او، مجال قیزار گرفتن اسمش در کنار شیرزاد حسن و بختیار علی را از او گرفته است؛ در این قصه با روایت اول شخص، داستان مردی نقاش و هنرمند را - گیرم خودش در هیئت نقاش - در یک بازه‌ی زمانی کوتاه، به تصویر می‌کشد و جهان دردمند هنرمند مشرق زمین را - هنگامی که بی‌سرزمین مانده است - در لایه‌های زیرین زندگی ذهنی مردی که حتا معشوقه‌اش هم خیالی‌ست، نقش می‌زند. گذشته از این، هم‌تراز با سوژه، پرزه‌هایی نفس‌گیر از عقایدی پوپولیستی، در غالب دیالوگ‌هایی ظریف و موجز، ذهن خواننده را درگیر می‌کند. ساختار روایت و فوکوسی که بر پس زمینه‌های ذهنی راوی - زندگی پیاپی‌ش در حلبچه - متمرکز است، سوای آن‌جایی که راوی حضوری فعال دارد و معیارهای اخلاقی به خواننده می‌دهد، رمانی چندوجهی - درست هم‌چون خالقش - تصویر کرده است و آشکارا به ما کد می‌دهد که با چه رمان مهمی در زیر مجموعه‌ی آثار سایکولوژیک روبرو هستیم. رمانی که با وجود تأکید چندباره‌ی نویسنده بر زادگاهش، به تکراری فراتر از مرزها دست می‌یابد که به اندازه‌ی تمام هنرمندان بی‌سرزمین، مخاطب‌های گوناگون خواهد داشت.